

تحلیل نقش تأمین مال به بخش صنعت و معدن در تحقق سرمایه‌گذاری

سعیده احمدی^۱

چکیده

با توجه به اینکه یکی از عوامل بسیار اثرگذار بر رشد تولید صنعتی و معدنی، سرمایه و سرمایه‌گذاری است، اهمیت جذب سرمایه داخلی و خارجی بر کسی پوشیده نیست. با توجه به شواهد موجود در بخش صنعت و معدن کشور مشاهده می‌شود که بسیاری از بنگاه‌های تولیدی این بخش، سرمایه و منابع مالی کافی برای ادامه یا گسترش فعالیت خود در اختیار ندارند. بنگاه‌های تولیدی از روش‌های مختلفی از جمله استفاده از منابع داخلی بنگاه، استقراض از نظام بانکی، تأمین مالی از بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و... منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند که در این راه به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی کشور، بنگاه‌های تولیدی توانایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی را ندارند. از سوی دیگر، به دلیل پذیرفته نشدن بسیاری از بنگاه‌ها در بازار سرمایه و فقدان بازار سرمایه کارآمد در کشور، تعداد کمی از آن‌ها از طریق بازار سرمایه، منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. به همین دلیل و با توجه به ضرورت تسریع در روند رشد تولید صنعتی و معدنی و دوری گزیدن از رشد فعالیت‌های نامولد در کشور، برخی راهکارها از جمله بهبود فضای کسب‌وکار، نظارت بر چگونگی تسهیلات‌دهی بانک‌ها، زمینه‌سازی برای حضور بیشتر بنگاه‌های صنعتی و معدنی در بازار سرمایه، تقویت ساختار بیمه‌ای برای حمایت از ریسک فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن، حمایت از حضور بخش خصوصی و تقویت آن در بخش صنعت و معدن، تقویت دیپلماسی اقتصادی بین شرکت‌های داخلی و خارجی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه صنعت و معدن، اعطای یارانه سرمایه‌گذاری به فعالیت‌های نوآورانه بخش صنعت و معدن و... پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، صنعت، معدن، بازده، خارجی، مولد، تولید، مالی.

مقدمه

انرژی، فناوری، مدیریت و... تقسیم کرد. عوامل تولید تا اندازه‌ای قابلیت جانشینی دارند، اما در بیشتر موارد، امکان جانشینی کامل بین عوامل تولید وجود ندارد. برای مثالی از جانشینی عوامل تولید، می‌توان به به‌کارگیری نیروی کار بیشتر به جای استفاده از ماشین‌آلات در برداشت محصولات کشاورزی اشاره کرد.

تولید کالاها در بخش صنعت و معدن مانند دیگر بخش‌های اقتصادی نیازمند دسترسی به عوامل مختلفی است که از آن‌ها به عنوان عوامل تولید یاد می‌شود. عوامل زیادی در تولید کالاها و خدمات دخیل هستند. در تقسیم‌بندی کلی، می‌توان مهم‌ترین عوامل تولید را به نیروی کار، سرمایه،

سرمایه و نقدینگی مورد نیاز برای گسترش یا تداوم فعالیت تولیدی است. بر اساس آمارهای رسمی رقم نقدینگی در کشور نسبتاً بالاست، اما متأسفانه شاهد گسیل سرمایه و سرمایه‌گذاری به بخش صنعت و معدن آن‌طور که باید و شاید نیستیم. شاید یکی از دلایل عمده آن را بتوان در وجود بازارهای موازی با سوددهی بالا در کشور جست‌وجو کرد که تداوم وضع موجود می‌تواند امنیت اقتصادی کشور را مورد هجومه قرار دهد.

دلایل زیادی وجود دارد که باعث شده است بخش صنعت و معدن نتواند سرمایه و نقدینگی مورد نیاز خود را جذب کند. با توجه به اهمیت موضوع سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بخش صنعت و معدن، در گزارش حاضر این موضوع را بررسی می‌کنیم. بدین منظور، ابتدا توضیح مختصری در مورد بخش صنعت و معدن ایران و جهان می‌دهیم. سپس راه‌های تأمین مالی بخش صنعت و معدن را در جهان بررسی می‌کنیم. در بخش‌های سه و چهار، مهم‌ترین موانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را در بخش صنعت و معدن توضیح می‌دهیم. سپس در مورد حضور شرکت‌های صنعتی و معدنی در بازار سرمایه کشور بحث می‌کنیم. در ادامه، چگونگی اثرگذاری بانک‌ها و بیمه‌ها را بر بخش صنعت و معدن بررسی می‌کنیم. در بخش هفت به بیان چشم‌انداز بخش صنعت و معدن می‌پردازیم. در بخش هشت ملاحظات امنیت اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

در دسترس بودن عوامل تولید برای تولید کالاها و خدمات ضروری است. بدون تردید تولید کالاها و خدمات بدون عوامل تولید امکان‌پذیر نیست. بنابراین، همه عوامل تولید اهمیت دارند؛ البته میزان اهمیت عوامل تولید در همه بخش‌ها یکسان نیست. برای مثال، ممکن است یک بخش برای تولید محصول خود به نیروی کار بیشتر و سرمایه کمتری نیاز داشته باشد درحالی‌که امکان دارد بخش یا بخش‌های دیگر برای تولید محصول خود به سرمایه بیشتری نیاز داشته باشند. به بخش اول که از نیروی کار بیشتری استفاده می‌کند، کاربر و به بخش دوم که از سرمایه بیشتری استفاده می‌کند، سرمایه‌بر گفته می‌شود. این مثال به‌خوبی نشان می‌دهد که میزان اهمیت عوامل تولید در همه بخش‌ها یکسان نیست. بخش صنعت و معدن ازجمله بخش‌های تولیدی است که در آن، به سرمایه بیشتری در مقابل نیروی کار نیاز است. به عبارت دیگر، بخش صنعت و معدن، بخشی سرمایه‌بر به شمار می‌آید. همان‌طور که گفته شد، دسترسی به عوامل تولید نقش مهمی در تولید کالاها و خدمات ایفا می‌کند. می‌دانیم که منابع و عوامل تولید کمیاب هستند. بنابراین، دسترسی به عوامل تولید با توجه به محدودیت و کمبود آن‌ها به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. همه بخش‌های اقتصادی از کمبود منابع و عوامل تولید ضروری رنج می‌برند. بخش صنعت و معدن نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از مهم‌ترین عوامل تولیدی که بخش صنعت و معدن در سال‌های اخیر از ناحیه کمبود آن با مشکلات زیادی مواجه شده،

۱- ماهیت بخش صنعت و معدن در ایران و جهان

اقتصاد هر کشوری مانند ایران از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. بخش‌های کشاورزی، خدمات، صنعت و معدن و نفت و انرژی، چهار بخش اصلی اقتصاد در ایران را تشکیل می‌دهند. هر کشوری به تناسب شرایط، منابع، عوامل تولید و موقعیت جغرافیایی‌اش، در یکی از بخش‌های یادشده دارای مزیت است. به عبارت دیگر، ممکن است کشوری به دلیل داشتن نیروی کار زیاد و زمین‌های حاصلخیز، در بخش کشاورزی دارای مزیت باشد؛ به طوری که بخش کشاورزی قسمت عمده ارزش افزوده آن کشور را به خود اختصاص دهد. برای مثالی از مزیت نسبی در بخش نفت و انرژی، می‌توان به کشورهای حوزه خلیج فارس و منطقه غرب آسیا اشاره کرد. کشورهای یادشده به دلیل داشتن منابع نفت و گاز فراوان، در بخش نفت و انرژی دارای مزیت هستند و بخش نفت و انرژی در آن‌ها اهمیت زیادی دارد. همچنین، ممکن است در کشوری، بخش صنعت و معدن از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ به طوری که سهم بخش صنعت و معدن از ارزش افزوده کل آن کشور، بیشتر از سهم دیگر بخش‌ها باشد.

بدون تردید بخش صنعت و معدن یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در کشورهای جهان است. مطالعه و بررسی اقتصاد کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کشورهایی که دارای بخش صنعت و معدن توسعه‌یافته هستند، اقتصاد آن‌ها نیز توسعه‌یافته است. در نتیجه، در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، کشورهای

که بخش صنعت و معدن آن‌ها در مراحل ابتدایی توسعه است، اقتصاد آن‌ها نیز در مراحل اولیه توسعه قرار دارد. به عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت توسعه صنعتی و معدنی، پیش‌نیاز توسعه اقتصادی است. به طور معمول، بخش صنعت و معدن به عنوان پیشران و محرک دیگر بخش‌های اقتصادی، ایفای نقش می‌کند. توسعه بخش صنعت و معدن و تأمین منابع و عوامل مورد نیاز برای توسعه این بخش، از ضرورت‌های اقتصاد کشورها از جمله ایران است.

همان‌طور که بیان شد، بخش صنعت و معدن نقش مهم و کلیدی در اقتصاد کشورهای مختلف دارد. وقتی سخن از بخش صنعت و معدن به میان می‌آید، ممکن است این پرسش‌ها در ذهن افراد شکل بگیرد که منظور از بخش صنعت و معدن چیست؟ کدام یک از فعالیت‌های اقتصادی جزو فعالیت‌های بخش صنعت و معدن هستند؟ آیا بخش صنعت و معدن در کشورهای مختلف یکسان است یا با یکدیگر تفاوت دارند؟ در این قسمت سعی می‌شود به اختصار به پرسش‌های یادشده پاسخ داده شود.

منظور از فعالیت‌های صنعتی، تمام فعالیت‌هایی است که با استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات گوناگون باعث ایجاد تغییرات فیزیکی و شیمیایی در مواد اولیه و خام می‌شوند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های صنعتی، تمام فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که با استفاده از مواد طبیعی، خام و اولیه، کالاها و خدمات مختلف را تولید می‌کنند. این تعریف از صنعت، تعریفی جامع و فراگیر است. به عبارت دیگر، در تمام کشورهای دنیا، به فعالیت‌هایی که از مواد طبیعی، خام و اولیه، کالاها و

کشورهای مختلف بر اساس موقعیت جغرافیایی، منابع و عوامل تولیدی که در اختیار دارند، در یک یا چند صنعت به صورت گسترده فعالیت می کنند؛ به طوری که نه تنها نیازهای خود، بلکه قسمت عمده ای از نیازهای دیگر کشورهای جهان را تولید می کنند. در جدول شماره ۱، مهم ترین صنایع کشورهای منتخب از جمله ایران آمده است. همان طور که ملاحظه می شود، کشورهای مختلف به تناسب شرایط و منابعی که در اختیار دارند، صنایع تولیدی خود را انتخاب می کنند.

خدمات را تولید کنند، فعالیت های صنعتی گفته می شود. فعالیت های صنعتی را می توان در قالب صنایع مختلف دسته بندی کرد. برای مثال، فعالیت های صنعتی در زمینه تولید خودرو را می توان در دسته صنعت خودروسازی قرار دارد. تعداد صنایع موجود در جهان، روز به روز در حال افزایش است. تعدادی از مهم ترین صنایع جهان عبارت اند از صنعت خودروسازی، صنعت پتروشیمی، صنعت لوازم خانگی، صنعت مواد غذایی، صنعت پوشاک، صنعت فلزات و ...

جدول ۱- مهم ترین صنایع تولیدی در کشورهای منتخب از جمله ایران

کشور	مهم ترین صنایع تولیدی در بخش صنعت
ایران	صنایع تولید فراورده های نفتی، شیمیایی، محصولات کانی غیرفلزی، وسایل نقلیه، فلزات اساسی و منسوجات
کانادا	تولیدات شیمیایی، مواد غذایی، کاغذ و چوب، خودرو و هواپیما
آمریکا	فولاد، خودرو، تسلیحات، پوشاک، منسوجات، کفش، مواد غذایی و تجهیزات مخابراتی و الکترونیکی
آلمان	الکترونیک، منسوجات، فولاد، سیمان، مواد غذایی، مواد شیمیایی، خودرو و کشتی سازی
ژاپن	خودرو، ابزارآلات، مواد شیمیایی، تجهیزات الکترونیکی، کشتی سازی، منسوجات و مواد غذایی
ترکیه	مواد غذایی، کاغذ و منسوجات
کره جنوبی	تجهیزات الکترونیکی و مخابراتی، مواد شیمیایی و خودرو

مأخذ: یافته های تحقیق

معادن محل انباشت فلزات یا سنگ های گوناگونی است که ارزش اقتصادی دارند. به عبارت دیگر، معدن به جایی گفته می شود که محل پیدایش ماده معدنی (فلزی یا غیرفلزی) است. فعالیت های معدنی، تمام فعالیت هایی است که به اکتشاف معادن و بهره برداری از آن ها می پردازد. از آنجاکه معادن تأمین کننده مواد اولیه بسیاری از صنایع تولیدی هستند، نقش مهمی در توسعه صنعتی و به تبع آن، توسعه اقتصادی کشورها دارند.

مطالعه تاریخ اقتصادی کشورها نشان می دهد که کشف معادن و بهره برداری از آن ها و استخراج فلزات از آن ها، سابقه طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. مهم ترین

سرمایه یکی از مهم ترین عوامل تولید بنگاه ها در بخش صنعت و معدن است. تعطیل و نیمه تعطیل بودن بسیاری از بنگاه های تولیدی کشور در بخش صنعت و معدن به سبب کمبود منابع مالی و نقدینگی، گویای این واقعیت است که بنگاه ها در جذب سرمایه و تأمین مالی موفق نبوده اند.



جدول ۲- مهم‌ترین محصولات معدنی در کشورهای منتخب از جمله ایران

کشور	مهم‌ترین محصولات معدنی
ایران	زغال‌سنگ، نیکل، آهن، مس، سرب و روی
کانادا	آلومینیوم
آمریکا	فولاد
آلمان	آهن، زغال‌سنگ، فولاد و سیمان
ژاپن	فلزات غیرآهنی
ترکیه	مس و زغال‌سنگ
کره جنوبی	فولاد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

منظور از تأمین مالی، تهیه منابع مالی و نقدینگی مورد نیاز برای ادامه یا گسترش فعالیت‌های تولیدی بنگاه‌هاست. روش‌های مختلفی برای تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی وجود دارد. در تقسیم‌بندی کلی، می‌توان منابع تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی را به دو دسته زیر تقسیم کرد.

الف- تأمین مالی با استفاده از منابع داخلی بنگاه
منابع داخلی بنگاه یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی است. اولویت نخست بنگاه‌ها در تأمین مالی، استفاده از منابع داخلی آن است؛ زیرا از سویی، تأمین مالی با استفاده از منابع داخلی بنگاه در مقایسه با منابع خارجی، هزینه کمتری برای بنگاه دارد. از سوی دیگر، دسترسی به منابع خارج از بنگاه، فرایندی زمان‌بر است درحالی‌که دسترسی به منابع داخلی بنگاه در کمترین زمان امکان‌پذیر است. بنابراین، تا زمانی که منابع داخلی بنگاه برای تأمین مالی آن کافی باشد، مدیران بنگاه‌ها برای تأمین مالی سراغ منابع خارجی نمی‌روند. از مهم‌ترین منابع داخلی بنگاه می‌توان به سود تقسیم‌نشده، آورده‌های سهام‌داران، اندوخته‌ها و دارایی‌های بنگاه اشاره کرد. بنگاه‌ها با استفاده از این منابع می‌توانند به فعالیت

به‌طورکلی، تعریف جامعی از صنعت و معدن در تمام کشورهای دنیا وجود دارد. به عبارت دیگر، فعالیت تولیدی‌ای که در کشوری جزو فعالیت‌های صنعتی به شمار می‌آید، در دیگر کشورها نیز در گروه فعالیت‌های صنعتی قرار دارد. بنابراین، تعریف صنعت و معدن در ایران با دیگر کشورها تفاوتی ندارد؛ البته بیان این نکته ضروری است که حوزه فعالیت کشورها در صنایع و معادن یکسان نیست.

۲- روش‌های تأمین مالی صنعت و معدن در جهان

دسترسی به منابع مالی عامل مهمی در توسعه صنعتی هر کشور است. هر زمان بنگاه‌های تولیدی کشوری دسترسی بیشتری به منابع مالی داشته باشند، پیمودن مسیر توسعه صنعتی و در نتیجه، توسعه اقتصادی، سریع‌تر انجام می‌شود. برعکس، کمبود نقدینگی و عدم انباشت سرمایه کافی باعث به تعویق افتادن توسعه اقتصادی می‌شود. می‌توان گفت بنگاه‌های تولیدی فعال در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله بخش صنعت و معدن، برای ادامه یا گسترش فعالیت‌های تولیدی به منابع مالی نیاز دارند.

در کشورهای درحال توسعه به دلیل فقدان بازار سرمایه کارآمد، بنگاه‌های تولیدی برای تأمین مالی خود، وابستگی بیشتری به نظام بانکی دارند. به عبارت دیگر، در کشورهایی که بازار سرمایه توسعه یافته‌ای وجود ندارد، قسمت عمده تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی از طریق نظام بانکی است.

به طور معمول، تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی از طریق نظام بانکی بدین صورت است که بنگاه‌ها با ارائه وثیقه و ضمانت‌نامه بانکی، تسهیلاتی را از بانک‌ها به صورت کوتاه مدت و بلندمدت دریافت می‌کنند. سپس، در تاریخ‌های مشخصی، وام‌های دریافتی را به همراه بهره آن‌ها به بانک بازپرداخت می‌کنند. تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی از طریق بازار سرمایه، به سه روش زیر امکان پذیر است.

الف- افزایش سرمایه به روش جایزه: به طور معمول، شرکت‌ها مقداری از سود سالانه خود را در حساب اندوخته ذخیره می‌کنند و در زمان مناسب، با انتقال موجودی این حساب به حساب سرمایه و انتشار اوراق سهام جدید، سرمایه اسمی شرکت را افزایش می‌دهند. سپس، اوراق سهام جدید را به نسبت سهام قبلی میان سهام‌داران توزیع می‌کنند؛ زیرا در این حالت، سهام‌داران پولی بابت اوراق جدید پرداخت نمی‌کنند که به اصطلاح به آن افزایش سرمایه به روش جایزه می‌گویند.

ب- افزایش سرمایه از محل آورده نقدی: زمانی که شرکت اندوخته‌ای برای افزایش سرمایه در اختیار نداشته و قصد افزایش سرمایه را داشته باشد، می‌تواند از این روش برای افزایش سرمایه استفاده کند. در این

تولیدی ادامه دهند یا با تأسیس واحدهای جدید، فعالیت‌های تولیدی را توسعه دهند.

ب- تأمین مالی با استفاده از منابع خارج از بنگاه
روش دوم تأمین مالی بنگاه‌ها، استفاده از منابع خارجی است. منابع خارجی، منابعی هستند که در مالکیت بنگاه نیستند. بنگاه‌ها در صورت استفاده از منابع خارجی، در تاریخ سررسید، باید مبلغ بیشتری از آنچه قرض کرده‌اند، بپردازند. بنابراین، استفاده از منابع خارجی بنگاه، با هزینه‌هایی همراه است. مهم‌ترین منابع تأمین مالی خارجی موارد زیر است.

۱- تأمین مالی از طریق بازارهای مالی

تأمین مالی از طریق بازارهای مالی یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای مختلف است. هر اندازه بازارهای مالی کشور، توسعه یافته‌تر و کارآمدتر باشند، بنگاه‌های تولیدی با سهولت بیشتری منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. نقش بازارهای مالی در توسعه اقتصادی کشورها به حدی است که هر اندازه کشور از بازارهای مالی کاراتری برخوردار باشد، در سطح بالاتری از مراحل توسعه اقتصادی قرار خواهد گرفت.

نظام بانکی و بازار سرمایه دو بخش اصلی بازارهای مالی هستند. تأمین مالی از نظام بانکی و بازار سرمایه دو روش متداول تأمین مالی در کشورهای مختلف است. در کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، از هر دو روش یادشده استفاده می‌شود. در کشورهای توسعه یافته که دارای بازار سرمایه قوی‌تری هستند، تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی بیشتر از طریق بازار سرمایه انجام می‌شود در حالی که



حالت، شرکت به هر سهام‌دار به نسبت تعداد سهام قبلی، امتیازی برای خرید سهام جدید می‌دهد که به اصطلاح به آن حق تقدم می‌گویند. سهام‌داران پس از دریافت برگه‌های حق تقدم، در صورت تمایل، مبلغ اسمی سهامی را که به آن‌ها تعلق گرفته است، به حساب شرکت واریز می‌کنند. پس از مدتی، برگه‌های سهام جدید به سهام‌داران داده می‌شود.

ب- افزایش سرمایه به روش صرف سهام: در این روش، شرکت سهام خود را به مبلغی بیش از قیمت اسمی و از طریق پذیره‌نویسی به فروش می‌رساند و تفاوت حاصل از قیمت فروش و قیمت اسمی سهام را به حساب اندوخته منتقل می‌کند یا در ازای سهام جدید به سهام‌داران قبلی می‌دهد.

به‌طور کلی، بازار اوراق بهادار در کنار نظام بانکی یکی از مهم‌ترین بازارهای تأمین منابع مالی بنگاه‌های اقتصادی است. در کشورهای توسعه‌یافته، بنگاه‌ها برای تأمین مالی، در کنار دریافت وام و تسهیلات از بانک‌ها، از طریق بازار سرمایه نیز منابع مالی خود را تأمین می‌کنند. توسعه بازارهای مالی در این کشورها به اندازه‌ای است که بنگاه‌ها کمتر نیاز پیدا می‌کنند که منابع مالی خود را از طریق بانک‌ها تأمین کنند. در صورت وجود بازار سرمایه توسعه‌یافته در کشور، بنگاه‌ها بیشتر از طریق بازار سرمایه و انتشار و فروش اوراق بهادار نیازهای خود را تأمین می‌کنند. این در حالی است که نگاه به چگونگی عملکرد تأمین مالی از طریق بازارهای مالی در ایران نشان می‌دهد نظام بانکی با اعمال نرخ بهره بانکی بالا به تسهیلات اعطایی، نرخ بازده سرمایه‌گذاری را از انتفاع خارج

می‌کند. در نتیجه، به دلیل وجود تورم بالا در تأمین مواد اولیه (با توجه به نوسانات شدید نرخ ارز و وابستگی تولید داخلی به واردات کالا) و عدم توان در تأمین کسب سود متعارف و نیز بازپرداخت تسهیلات دریافت‌شده، سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد تولید منصرف می‌شود. از سوی دیگر، نگاه به سابقه عملکردی بازار بورس نشان می‌دهد به دلیل برخی تصمیمات غیرکارشناسانه در سال‌های قبل تاکنون، متأسفانه شاهد عدم اعتماد به این‌گونه بازارهای مالی در میان سرمایه‌گذاران هستیم.

۲- تأمین مالی از طریق جذب سرمایه‌های خارجی یکی دیگر از منابع خارجی تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی، جذب سرمایه‌های خارجی است. بنگاه‌های تولیدی می‌توانند از طریق استقراض از بانک‌های خارجی و جذب سرمایه‌های سرمایه‌گذاران خارجی، منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کنند. تأمین مالی از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی دشوارتر از تأمین مالی از طریق منابع داخل کشور است؛ زیرا سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در صنعت یا بنگاه تولیدی افزون‌بر شرایط آن بنگاه، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشوری را که بنگاه در آن فعالیت می‌کند نیز در تصمیم‌گیری خود لحاظ می‌کنند. بنابراین، در صورتی که کشور مقصد سرمایه‌گذاران خارجی، فاقد ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد، سرمایه‌گذاران از ورود به آن کشور اجتناب می‌کنند. در ایران به دلیل وجود برخی موانع از جمله اعمال تحریم‌های خارجی و در نتیجه، منع مبادلات مالی با دیگر کشورها، تأمین مالی از طریق

مهم‌ترین موانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی بنگاه‌ها در بخش صنعت و معدن، به شرح زیر است.

• **ناتوانی بانک‌ها در ارائه تسهیلات به متقاضیان**

بخش صنعت و معدن

محدودیت منابع یکی از مهم‌ترین مباحث در علم اقتصاد است. به عبارت دیگر، یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری علم اقتصاد، تخصیص بهینه منابع کمیاب است. تمام عوامل تولید منابع کمیاب هستند. وقتی عامل تولید کمیاب و محدود باشد؛ به‌ویژه هنگامی که تقاضا برای آن بیشتر از عرضه باشد، همه متقاضیان نمی‌توانند به آن دست یابند. سرمایه مالی نیز به‌عنوان یکی از عوامل تولید، از قاعده یادشده مستثنا نیست. تعداد زیاد متقاضیان دریافت تسهیلات و انتظار طولانی‌مدت آن‌ها برای دریافت تسهیلات، نشان می‌دهد که تقاضا برای تسهیلات بانک‌ها بیشتر از عرضه آن است. در این شرایط، کاملاً طبیعی است که بعضی از متقاضیان نتوانند تسهیلات دریافت کنند. بنابراین، یکی از دلایل اصلی ناتوانی بنگاه‌های بخش صنعت و معدن در جذب سرمایه‌های داخلی، محدودیت منابع مالی در نظام بانکی است.

• **بازده پایین سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن در مقایسه با بخش‌های غیرمولد**

هدف از سرمایه‌گذاری، کسب بازده است. هر بخشی که بازده بیشتری داشته باشد، سرمایه‌های بیشتری را به سمت خود جذب خواهد کرد. بازده بخش صنعت و معدن در مقایسه با بخش‌های غیرمولد، پایین‌تر است. این موضوع یکی از دلایل ناتوانی بخش صنعت و معدن در جذب سرمایه‌های داخلی است.

جذب سرمایه‌های خارجی بسیار دشوار است. با عنایت به اینکه جذب سرمایه خارجی به‌شدت متأثر از امنیت سرمایه است، انتظار جذب سرمایه‌های خارجی به‌منظور یکی از راه‌های تأمین سرمایه بخش‌های تولیدی کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد. می‌توان گفت بنگاه‌های تولیدی در کشورهای مختلف برای تأمین مالی خود ابتدا سراغ منابع داخلی بنگاه می‌روند. در صورتی که بنگاه منابع داخلی کافی برای تأمین مالی فعالیت‌های خود را در اختیار نداشته باشد، از منابع خارجی برای تأمین مالی استفاده می‌کند. مهم‌ترین منابع خارجی تأمین مالی عبارت‌اند از استقراض از نظام بانکی، تأمین مالی از طریق بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی. شواهد نشان می‌دهند که بنگاه‌های تولیدی بخش صنعت و معدن کشور در جذب سرمایه و تأمین مالی موفق نبوده‌اند. در قسمت‌های بعد، دلایل این موضوع را بررسی می‌کنیم.

۳- موانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی در

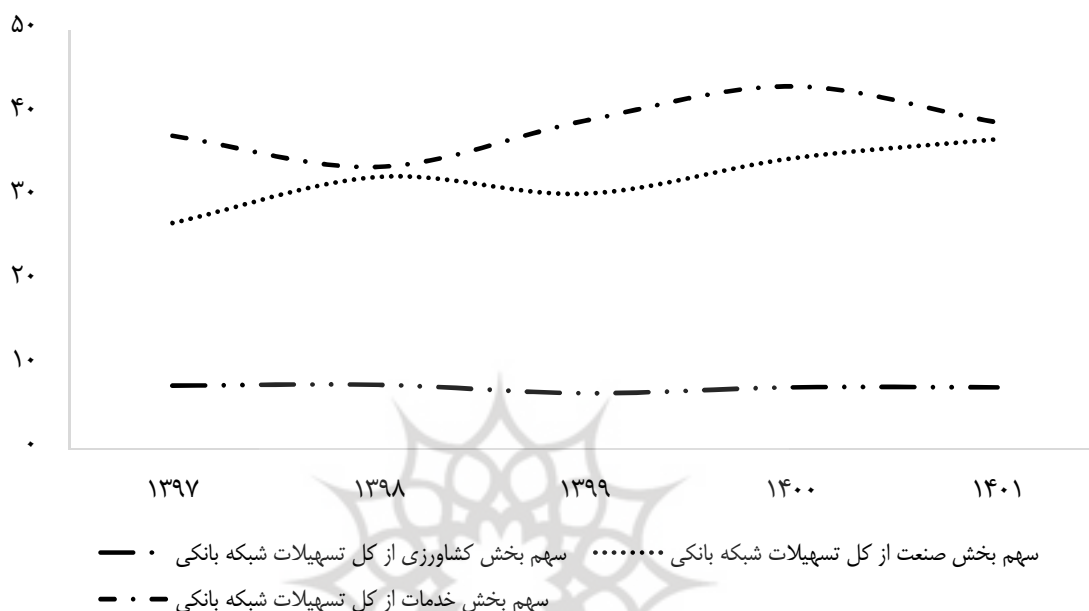
بخش صنعت و معدن

همان‌طور که توضیح داده شد، سرمایه یکی از مهم‌ترین عوامل تولید بنگاه‌ها در بخش صنعت و معدن است. تعطیل و نیمه‌تعطیل بودن بسیاری از بنگاه‌های تولیدی کشور در بخش صنعت و معدن به سبب کمبود منابع مالی و نقدینگی، گویای این واقعیت است که بنگاه‌ها در جذب سرمایه و تأمین مالی موفق نبوده‌اند. موانع زیادی باعث شده است تا بنگاه‌ها نتوانند سرمایه مورد نیاز را جذب کنند.



با توجه به اهمیت موضوع، در نمودار شماره ۱، سهم هریک از بخش‌های اقتصادی کشور از تسهیلات پرداختی بانک‌ها به تفکیک بر اساس آخرین آمار موجود آورده شده است.

نمودار ۱- سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات پرداختی نظام بانکی (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴.

دوره برگشت سرمایه در فعالیتی طولانی‌تر باشد، انگیزه سرمایه‌گذاری در آن بخش کاهش می‌یابد. سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن جزو آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی است که از زمان آغاز سرمایه‌گذاری تا زمان بهره‌برداری از آن، ممکن است چند سال طول بکشد. بنابراین، به دلیل طولانی بودن دوره برگشت سرمایه، سرمایه‌گذاران تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند؛ البته بیان این نکته ضروری است که دلیل اصلی فرار سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری‌های با دوره برگشت طولانی، ریسک بالا و بی‌ثباتی اقتصاد کشور است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده، سهم بخش خدمات از تسهیلات پرداختی بانک‌ها، همواره در سال‌های مورد بررسی از دیگر بخش‌های اقتصادی بالاتر بوده است. با توجه به اینکه در ایران بخش زیادی از فعالیت‌های بخش خدمات مولد نیست و بازده بالاتری نسبت به بخش صنعت و معدن در کشور دارد، می‌توان گفت این گونه اعطای تسهیلات در کشور، هرگز نمی‌تواند در راستای ترغیب سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری‌های مولد در کشور باشد.

• دوره طولانی برگشت‌پذیری سرمایه در بخش صنعت و معدن

طول دوره برگشت سرمایه یکی از مواردی است که سرمایه‌گذاران به آن توجه می‌کنند. هر اندازه

• فقدان شرایط مناسب واحدهای تولیدی برای تأمین مالی از بازار سرمایه

همانطور که توضیح داده شد، واحدهای تولیدی کشور برای تأمین مالی خود به شدت به نظام بانکی وابسته هستند و کمتر سراغ بازار سرمایه می‌روند. یکی از دلایل ناتوانی واحدهای تولیدی در جذب سرمایه از طریق بازار سرمایه، عدم حضور آن‌ها در بازار سرمایه است. در صورتی که واحدهای مختلف تولیدی، شرایط لازم را برای پذیرفته شدن در بورس اوراق بهادار فراهم کنند، می‌توانند در کنار استفاده از تسهیلات بانکی، از طریق بازار سهام نیز سرمایه مورد نیاز خود را جذب کنند.

۴- موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت و معدن

جذب سرمایه‌گذاری خارجی یکی از روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی در بخش صنعت و معدن است. در سال‌های اخیر بنگاه‌ها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی چندان موفق نبوده‌اند. مهم‌ترین دلایل ناکامی بنگاه‌ها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موارد زیر است.

• بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی

محیط سیاسی و اقتصادی باثبات عامل اساسی در ورود سرمایه‌گذاری خارجی به کشور است. وقتی کشور از نظر سیاسی و اقتصادی بی‌ثبات باشد، سرمایه‌گذار خارجی از این واهمه دارد که تغییرات وسیع و غیرمنتظره در وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور، تغییرات زیادی در بازده سرمایه‌گذاری ایجاد

• ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن

یکی از پیش‌شرط‌های مهم برای سرمایه‌گذاری، ثبات سیاسی و اقتصادی است. با مطالعه تاریخ کشور، به این نتیجه می‌رسیم که بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی یکی از مهم‌ترین موانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی در بخش صنعت و معدن است. تحریم‌های اقتصادی یکی از دلایل بی‌ثباتی‌ها در اقتصاد کشور هستند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به بهانه‌های مختلف، اقتصاد کشور تحریم شده است. در صورتی که یک صنعت خاص تحریم شود، سرمایه‌گذاران آن نه تنها سودی کسب نخواهند کرد، بلکه قسمت عمده‌ای از سرمایه اولیه خود را نیز از دست خواهند داد. بنابراین، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، مانع بزرگ سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن به شمار می‌رود.

• ورود گسترده کالاهای صنعتی به صورت قاچاق به داخل کشور

واردات گسترده کالاها به صورت قاچاق به داخل کشور یکی از معضلات اصلی اقتصاد کشور است. تعطیلی برخی از واحدهای تولیدی به سبب واردات بی‌رویه کالاهای خارجی به صورت قاچاق است. تا زمانی که جلوی این نوع واردات گرفته نشود، سرمایه‌گذاری در بسیاری از صنایع، برای سرمایه‌گذاران بازدهی نخواهد داشت. می‌توان گفت واردات کالاهای مشابه تولید داخلی به صورت قاچاق، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را در واحدهای مختلف صنعتی کاهش داده است.



کند. از آنجاکه سرمایه‌گذاران تا اندازه زیادی ریسک‌گریز هستند، از ورود به کشوری که فاقد ثبات سیاسی و اقتصادی است، اجتناب می‌کنند. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر ثبات سیاسی و اقتصادی کشور و به‌ویژه ثبات اقتصادی در نتیجه تورم‌های بالای ۴۰ درصد و نوسانات نرخ ارز رو به افول بوده، ورود سرمایه‌های خارجی نیز کاهش یافته است.

• فضای کسب‌وکار نامناسب در کشور

شاخص فضای کسب‌وکار از جمله معیارهایی است که می‌توان بر اساس آن میزان سلامت اقتصاد کشورها را سنجید. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی پیش از شروع به سرمایه‌گذاری، فضای کسب‌وکار را در کشور میزبان بررسی می‌کنند. در صورتی که فضای کسب‌وکار آن کشور وضعیت مطلوبی داشته باشد، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان احساس امنیت می‌کنند و در نتیجه، ترغیب می‌شوند در طرح‌های مختلف تولیدی سرمایه‌گذاری کنند. شاخص فضای کسب‌وکار کشور در سال‌های گذشته، گویای این واقعیت است که این فضا در وضعیت مناسبی نیست تا جایی که بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران در پایین سال ۱۴۰۳، عدد ۶/۱۵ (عدد ۱۰ بدترین ارزیابی است) بوده که مناسب‌تر از وضعیت این شاخص در ارزیابی فصل گذشته آن (تابستان ۱۴۰۳ با میانگین ۶/۲۱) بوده است. میانگین ارزیابی محیط اقتصادی عدد ۶/۶۷ بوده که در ارزیابی فصل گذشته آن، عدد ۶/۶۵ حاصل شده بود و میانگین ارزیابی محیط نهادی عدد ۵/۷۲ بوده که در فصل گذشته، عدد ۵/۸۵ ارزیابی

شده بود. براین اساس، محیط حقوقی و قانونی با عدد ۵/۱۶ و محیط مالی با عدد ۸/۲۷، به ترتیب مساعدترین و نامساعدترین محیط‌ها بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین بوده‌اند. بنابراین، برطرف کردن مشکلات ساختاری کشور که می‌تواند در ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار و در نهایت، جذب سرمایه‌گذاری مفید واقع شود، بسیار ضروری است. نامناسب بودن فضای کسب‌وکار یکی از موانع اصلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).

• ضعف در دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای پیشبرد اهداف اقتصادی است. به‌طور معمول، دولت‌ها از دیپلماسی اقتصادی سه هدف دسترسی به بازار جهانی، جذب سرمایه‌های خارجی و حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی را دنبال می‌کنند. بررسی تاریخ اقتصادی کشور نشان می‌دهد که دولت‌های مختلف در زمینه دیپلماسی اقتصادی موفق عمل نکرده‌اند. این موضوع باعث ضعف دیپلماسی اقتصادی کشور و در نتیجه، ناتوانی اقتصاد کشور در جذب سرمایه‌های خارجی شده است.

• فقدان بخش خصوصی قوی

بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بیشترین کارایی اقتصادی حاصل شود. به عبارت دیگر، هدف از خصوصی‌سازی در اقتصاد، افزایش کارایی اقتصادی است. به‌رغم تأکید زیاد رهبر معظم انقلاب اسلامی به اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و حرکت به سمت خصوصی‌سازی

فساد در اقتصاد کشور، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. این نیز به‌نوبه خود باعث کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد می‌شود. می‌توان گفت که وجود انواع فساد در اقتصاد کشور، ریسک سرمایه‌گذاری را در فعالیتهای اقتصادی افزایش داده است. افزایش ریسک نیز باعث کاهش جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی شده است.

۵- بخش صنعت و معدن در بازار سرمایه

همان‌طور که در بخش‌های پیش توضیح داده شد، یکی از روش‌های تأمین مالی، تأمین منابع مالی از طریق بازار سرمایه است. یکی از پیش‌شرط‌های مهم برای استفاده از منابع مالی بازار سرمایه، پذیرش شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی در بازار اوراق بهادار است. به‌عبارت دیگر، زمانی شرکت‌های مختلف می‌توانند از طریق بازار سرمایه منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کنند که در بازار سرمایه پذیرفته شوند. پذیرش در بازار سرمایه نیز مستلزم عبور از فیلترهایی است که برای حضور در این بازار لازم است. برای پذیرش شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار، شرکت‌ها باید شرایط پذیرش را در بازار سرمایه داشته باشند. از جمله این شرایط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- تأمین حداقل سرمایه مورد نیاز برای پذیرش در بازار سهام (۵ میلیارد ریال).
- ۳- دست‌کم یک سال از زمان بهره‌برداری یا فعالیت شرکت گذشته باشد.

اقتصادی، هنوز هم بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور در دست بخش دولتی است. حضور گسترده دولت در فعالیتهای اقتصادی باعث تضعیف بخش خصوصی می‌شود. به‌عبارت دیگر، تا زمانی که دولت در یک صنعت فعالیت داشته باشد، امکان فعالیت بخش خصوصی در آن صنعت وجود نخواهد داشت؛ زیرا بخش خصوصی توان رقابت با بخش دولتی را ندارد. بنابراین، فقدان بخش خصوصی قوی در اقتصاد و نقش پررنگ دولت در برخی فعالیتهای صنعتی، انگیزه ورود سرمایه‌های خارجی به کشور را به‌طور زیادی کاهش داده است.

• شفافیت پایین در قوانین و مقررات

قوانین و مقررات نقش مهمی در سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی دارند. هر اندازه قوانین و مقررات از شفافیت بیشتری برخوردار باشند، امکان جذب سرمایه بیشتری وجود دارد. قوانین و مقررات کشور در زمینه‌های مختلف ابهام و پیچیدگی زیادی دارد. افزون‌براین، قوانین و مقررات کشور با تغییرات زیادی همراه است. شفافیت پایین قوانین و مقررات در کنار بی‌ثباتی قوانین، یکی از موانع بزرگ جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور است.

• نقش برجسته انواع فساد در فعالیتهای اقتصادی

کمتر کسی پیدا می‌شود که فساد را در اقتصاد کشور انکار کند. امروزه مبارزه با مفاسد اقتصادی یکی از اولویتهای نخست کشور است. یکی از مهم‌ترین دلایل فساد در اقتصاد کشور، حجم بزرگ دولت در اقتصاد است. به‌عبارت دیگر، تصدیگری دولت عامل مهمی در ایجاد فساد در اقتصاد کشور است. گستردگی

۴- شرکت در آخرین سال مالی سودآور بوده و امکان تداوم سودآوری در آینده نیز وجود داشته باشد.

بنابراین، در صورتی که شرکتی هرکدام از شرایط یادشده را نداشته باشد، پذیرش آن در بورس اوراق بهادار با مشکل مواجه خواهد شد. بررسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه نشان می‌دهد که تعداد کمی از شرکت‌های تولیدی بخش معدن در بازار سرمایه حضور دارند. به‌طورکلی، دو دلیل را می‌توان برای عدم حضور پررنگ بخش معدن در بازار سرمایه بیان کرد. نخست اینکه، دولت تمایل چندانی برای واگذاری شرکت‌های معدنی به بخش خصوصی ندارد. دوم اینکه، شرکت‌های معدنی شرایط لازم را برای پذیرش در بازار سرمایه ندارند. بنابراین، تا زمانی که دولت عزم جدی برای واگذاری شرکت‌های معدنی تحت مالکیت خود به بخش خصوصی نداشته باشد و شرکت‌ها شرایط لازم را برای حضور در بازار سرمایه نداشته باشند، شاهد حضور پررنگ شرکت‌های معدنی در بازار سرمایه کشور نخواهیم بود. از سوی دیگر، عدم حضور شرکت‌های معدنی در بازار سرمایه، به معنای از دست دادن فرصت تأمین مالی از طریق بازار سرمایه کشور خواهد بود.

در مقایسه با بخش معدن، بخش صنعت حضور پررنگ‌تری در بازار سرمایه دارد. به‌عبارت‌دیگر، تعداد بیشتری از شرکت‌های صنعتی از طریق بازار سرمایه، سهام خود را به فروش رسانده و از مالکیت دولتی خارج شده و به مالکیت بخش خصوصی درآمده‌اند؛ البته بیان این نکته ضروری است که بسیاری از بنگاه‌های

کوچک و متوسط بخش صنعت که در حال حاضر به‌صورت تعطیل و نیمه‌تعطیل درآمده‌اند، نتوانسته‌اند به عضویت بازار سهام درآیند. به‌عبارت‌دیگر، سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در کل بنگاه‌های صنعتی پذیرفته‌شده در بازار سهام ناچیز است.

همان‌طور که در قسمت‌های پیش توضیح داده شد، یکی از وظایف بازار سرمایه تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار اوراق بهادار است. با توجه به ناتوانی بانک‌ها در پاسخ‌گویی به متقاضیان تسهیلات، انتظارات از بازار سرمایه برای تأمین مالی شرکت‌ها افزایش یافته است. به گفته مدیران سازمان بورس در یک سال اخیر، برای ۱۴۸ شرکت مجوز افزایش سرمایه صادر شده و ۱۱ شرکت به‌طور رسمی در مسیر پذیرهنویسی قرار گرفته‌اند که از مجموع ۲۰۰ هزار میلیارد تومان مجوز صادرشده، ۹۹ هزار میلیارد تومان مربوط به افزایش سرمایه از محل آورده نقدی و مطالبات سهام‌داران، ۷ هزار میلیارد تومان از محل سلب حق تقدم از سهام‌داران کنونی شرکت، ۷۶ هزار میلیارد تومان از محل سود انباشته و اندوخته‌ها و ۱۸ هزار میلیارد تومان نیز از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها بوده است. در حال حاضر ۱۱ شرکت پروژه در مسیر پذیرهنویسی بورس تهران قرار دارند. تاکنون از هفت شرکت پروژه‌ای که پرونده‌شان در هیئت پذیرش بورس تهران مطرح شده، پنج شرکت تأییدیه‌های لازم را دریافت کرده و مراحل تأیید دو شرکت دیگر نیز بعد از رفع ابهامات هیئت پذیرش دوباره در این هیئت مطرح می‌شود. در سال ۱۴۰۳، از پنج شرکت تأییدشده تنها یک شرکت

برخوردار باشند. از جمله این شرایط می توان به فقدان معوقات و چک های برگشتی واحدهای متقاضی تسهیلات اشاره کرد. به عبارت دیگر، بانک ها در صورتی به واحد تولیدی تسهیلات می دهند که آن واحد فاقد معوقات و چک های برگشتی باشد. با توجه به شرایط رکودی که در سال های اخیر در اقتصاد کشور حاکم بوده است، امروزه کمتر واحد تولیدی یافت می شود که فاقد معوقات و چک های برگشتی باشد. بنابراین، تعداد کمی از واحدهای تولیدی می توانند از بانک ها تسهیلات دریافت کنند؛ البته بیان این نکته ضروری است که بر اساس سیاست های بانک مرکزی در سال ۱۳۹۵ و برای خروج از رکود واحدهای تولیدی، محدودیت های ناشی از معوقات و چک های برگشتی در اعطای تسهیلات نادیده گرفته می شود. در صورتی که این سیاست اجرایی شود، یکی از موانع دریافت تسهیلات واحدهای تولیدی کنار زده خواهد شد.

یکی دیگر از شرایط مورد نیاز واحدهای تولیدی برای دریافت تسهیلات، اعطای وثیقه و ضمانت نامه به بانک است. بسیاری از واحدهای تولیدی به ویژه واحدهای کوچک و متوسط فاقد وثیقه و ضمانت نامه کافی هستند. به عبارت دیگر، تعداد زیادی از واحدها نمی توانند شرط ارائه وثیقه و ضمانت نامه را برآورده کنند. این موضوع نیز به نوبه خود، دسترسی واحدهای تولیدی به تسهیلات بانکی را کاهش داده است.

یکی دیگر از مشکلات و موانع رشد و توسعه بخش صنعت و معدن، ریسک بالای سرمایه گذاری

پروژه تأمین مالی شده است^۱. می توان گفت که تعداد کمی از شرکت های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار از طریق بازار سهام، تأمین مالی شده اند.

۶- چگونگی اثرگذاری بانک ها و بیمه ها بر بخش صنعت و معدن

اهمیت بانک ها و بیمه ها در اقتصاد کشور و اثرگذاری آن ها بر بخش های مختلف اقتصادی از جمله بخش صنعت و معدن انکارناپذیر است. بانک ها از طریق تأمین مالی و بیمه ها از طریق پوشش ریسک واحدهای تولیدی، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی دارند. در شرایط کنونی اقتصاد کشور، واحدهای تولیدی در بخش صنعت و معدن با دو مشکل بزرگ مواجه هستند. یکی از مهم ترین مشکلات آن ها که به تعطیلی برخی از واحدهای تولیدی منجر شده، کمبود نقدینگی است. بانک های کشور به عنوان متولیان تأمین مالی واحدهای اقتصادی، می توانند با اعطای تسهیلات، مشکل کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی را برطرف کنند.

تعطیل و نیمه تعطیل بودن برخی از واحدهای تولیدی کشور در سال های اخیر به دلیل کمبود نقدینگی، نشان می دهد که واحدهای تولیدی در دریافت تسهیلات از بانک ها موفق نبوده اند. از دلایل این موضوع می توان به نبود شرایط لازم در واحدهای تولیدی برای دریافت تسهیلات بانکی اشاره کرد. بانک ها در صورتی به مشتریان خود تسهیلات می دهند که آن ها از شرایط لازم برای دریافت وام

1. <https://B2n.ir/st5163>.

کنند. بنابراین، شرکت‌های بیمه می‌توانند باقی‌مانده منابع مالی خود را در انواع فعالیت‌های اقتصادی از جمله فعالیت‌های تولیدی بخش صنعت و معدن، سرمایه‌گذاری و از این طریق مشکل کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی این بخش را حل کنند.

۷- چشم‌انداز بخش صنعت و معدن

در شرایط کنونی به دلیل بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی کشور مانند نوسانات نرخ ارز، تورم بالا و تهدیدهای بین‌المللی از جمله تهدید نظامی و تحریم‌های اقتصادی و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن، این بخش از جذابیت چندانی در بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برخوردار نیست. همان‌طور که در بخش‌های پیش توضیح داده شد، موانع زیادی از جمله ناتوانی بانک‌ها در اعطای تسهیلات به متقاضیان، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن، فضای نامناسب کسب‌وکار، ضعف دیپلماسی اقتصادی و شفافیت پایین قوانین و مقررات در اقتصاد کشور وجود دارد که باعث شده است بخش صنعت و معدن نتواند سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را جذب کند. تا زمانی که این موانع برداشته نشوند، نمی‌توانیم شاهد رشد و شکوفایی بخش صنعت و معدن و در نتیجه، رشد اقتصاد کشور باشیم.

در مورد چشم‌انداز بخش صنعت و معدن می‌توان گفت که رونق و شکوفایی در این بخش در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. گام نخست در توسعه صنعتی، جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی

در این بخش به سبب شرایط خاص اقتصادی کشور است. در صورتی که به طریقی بتوان ریسک سرمایه‌گذاری را در این بخش کاهش داد، تعداد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در این بخش افزایش خواهد یافت. بیمه‌ها با توجه به ماهیتی که دارند، در وضعیت کنونی که اقتصاد کشور به‌ویژه بخش صنعت و معدن با رکود مواجه است، با پوشش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند باعث افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش شوند و در نتیجه، آن را از رکود خارج سازند. به عبارت دیگر، بیمه‌ها از طریق تأمین امنیت، سرمایه‌گذاران را در برابر ضررهای احتمالی حمایت می‌کنند.

بیمه‌ها افزون‌بر پوشش ریسک سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند از طریق تأمین منابع مالی واحدهای تولیدی، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا کنند. همان‌طور که می‌دانیم، اشخاص و نهادهای مختلف به منظور پوشش ریسک فعالیت‌های خود، مبلغی را به صورت سالانه یا ماهانه به شرکت‌های بیمه به عنوان حق بیمه پرداخت می‌کنند. بنابراین، شرکت‌های بیمه منابع زیادی را از طریق پوشش ریسک انواع مختلف فعالیت‌ها جذب می‌کنند. همچنین، پیش‌بینی می‌شود جبران خسارت واحدهای تولیدی توسط شرکت‌های بیمه به دلیل وقوع حوادث ناگوار، کمتر از حق بیمه‌ای باشد که شرکت‌های بیمه از اشخاص و نهادهای مختلف می‌گیرند. به عبارت دیگر، پیش‌بینی می‌شود که شرکت‌های بیمه تنها قسمتی از منابعی را که به عنوان حق بیمه دریافت کرده‌اند، صرف جبران خسارت

تولید در این بخش شده است. بنابراین، تا زمانی که بازده دیگر بخش‌ها بیشتر از بازده بخش صنعت و معدن باشد، نمی‌توان انتظار افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه، افزایش تولید را در این بخش داشت.

در سال‌های اخیر رکود حاکم بر اقتصاد باعث تشدید رکود بخش صنعت و معدن شده است. دلیل این موضوع، وابستگی بخش صنعت و معدن به دیگر بخش‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر، رکود در دیگر بخش‌های اقتصادی کشور، رکود در بخش صنعت و معدن را به همراه داشته است. در سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی، ابتدا بخش نفت وارد دوران رکود شد. سپس، دیگر بخش‌های اقتصادی از جمله بخش صنعت و معدن وارد دوره رکود شدند. پیش‌بینی می‌شود در سال‌های پیش رو در صورت لغو تحریم‌های اقتصادی و خارج شدن دیگر بخش‌های اقتصادی از جمله بخش نفت از رکود، بخش صنعت و معدن نیز از رکود خارج و وارد دوره رونق شود.

افزون بر عوامل یادشده، حمایت دولت از واحدهای تولیدی بخش صنعت و معدن یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر تولید این بخش است. در شرایط کنونی که بخش صنعت و معدن در رکود به سر می‌برد، حمایت دولت از واحدهای تولیدی برای خروج از وضعیت رکود و ورود به دوره رونق و شکوفایی لازم است. در سال‌های اخیر حمایت‌های دولت از واحدهای تولیدی برای خروج بخش صنعت و معدن از رکود کافی نبوده است. برای مثال، می‌توان به سیاست‌های مالیاتی دولت در شرایط رکود اشاره کرد. در حال حاضر به رغم اینکه

است. با توجه به اینکه تحریم‌های اقتصادی لغو نشده‌اند و به دلیل شرایط خاص اقتصاد کشور، جذب سرمایه‌گذاری‌ها به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش به‌کندی صورت می‌گیرد. بنابراین، افزایش تولید نیز به‌کندی صورت خواهد گرفت. از سوی دیگر، حتی اگر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در این بخش صورت گیرد، به دلیل اینکه چند سال تا فرارسیدن زمان بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌ها طول خواهد کشید، دست‌کم تا یکی دو سال آینده شاهد تغییرات عمده‌ای در این بخش نخواهیم بود.

سطح فناوری که در بخش صنعت و معدن به کار می‌رود، عامل مهمی در توسعه یا عقب‌ماندگی این بخش است. استفاده از فناوری پیشرفته، موفقیت و توسعه بخش صنعت و معدن را به دنبال خواهد داشت در حالی که استفاده از فناوری‌های قدیم، رکود و عقب‌ماندگی این بخش را موجب خواهد شد. بررسی سطح فناوری به‌کاررفته در واحدهای تولیدی بخش صنعت و معدن کشور نشان می‌دهد که در حال حاضر بیشتر واحدها از فناوری قدیم استفاده می‌کنند. در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های اقتصادی، به‌روز کردن سطح فناوری واحدهای تولیدی امکان‌پذیر نبوده است. این عامل منجر به عقب‌ماندگی بخش صنعت و معدن کشور از روند رو به توسعه در آن می‌شود.

یکی دیگر از عوامل کم‌توجهی به بخش صنعت و معدن در سال‌های اخیر، بازده پایین بخش صنعت و معدن در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی است. این موضوع باعث شده است که سرمایه‌گذاری‌های کمتری در این بخش صورت گیرد که به نوبه خود باعث کاهش

بیشتر واحدهای تولیدی در حالت رکود به سر می‌برند، دولت تأکید ویژه‌ای به دریافت مالیات از واحدهای تولیدی دارد.

دریافت مالیات از واحدهای تولیدی در شرایط رکود اقتصادی باعث تشدید رکود خواهد شد. بنابراین، لازم است حمایت‌های دولت از واحدهای تولیدی بخش صنعت و معدن افزایش یابد تا شاهد شکوفایی این بخش در سال‌های آینده باشیم. برای مثال، دولت می‌تواند با اعطای معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی به تولیدکنندگان، مشکلات آن‌ها را کاهش دهد. لازم به توضیح است که در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات و بهبود شرایط دیپلماتیک و سیاسی ایران با دیگر کشورها، می‌توان انتظار داشت انتقال فناوری و سرمایه به کشور از روند نسبتاً مطلوب‌تری برخوردار شود و با افزایش ثبات اقتصادی و سیاسی، زمینه ورود و جذب سرمایه‌گذار خارجی در کشور بیش‌ازپیش مهیا شود.

۸- ملاحظات امنیت اقتصادی

همان‌طور که در بخش‌های پیشین گزارش به آن اشاره شد، تسریع در روند پیمودن مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور در گروی افزایش تولید در بخش‌های مولد است. این در حالی است که افزایش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و صنایع پیشرو کشور است. بنابراین، سرمایه‌گذاری از الزامات رشد تولید و توسعه اقتصادی است. نگاه به بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که بخش صنعت و معدن با توجه به ایجاد اشتغال و توسعه پایدار در جذب سرمایه‌گذاری

دارای اولویت است، اما آنچه در حقیقت به وقوع می‌پیوندد، تزریق سرمایه به بخش خدمات است. با توجه به عدم انسجام و رشد غیرمنطقی بخش خدمات در کشور، متأسفانه شاهد صرف سرمایه در بخش‌های نامولد خدمات از جمله بازار دلالتی و سفته‌بازی در کشور هستیم. از آنجاکه بازدهی زود هنگام و بالایی در این بخش در کشور مشاهده می‌شود، تداوم وضع موجود می‌تواند عدم امنیت اقتصادی کشور را از طریق عدم تأمین مالی بخش صنعت و معدن و در نهایت، تعطیلی واحدهای صنعتی و معدنی و نیز افزایش شمار بیکاران در این بخش رقم بزند. یکی دیگر از راه‌هایی که عدم سرمایه‌گذاری مناسب در زیربخش‌ها می‌تواند کشور را از مسیر رشد توسعه اقتصادی دور کند، افزایش وابستگی به کشورهای خارجی است. تحقق سرمایه‌گذاری مناسب در زیربخش‌های اقتصادی به تقویت توان تولیدی کشور منجر می‌شود. چنانچه این سرمایه‌گذاری بدون نیازسنجی در کشور صورت پذیرد یا با اعمال برخی قوانین مانع ورود سرمایه به بخش‌های مولد اقتصادی شویم، کشور برای برطرف کردن نیازهای خود ناچار به واردات خواهد بود. افزایش واردات کالا از کشورهای دیگر، میزان وابستگی به خارج را افزایش می‌دهد و از این طریق، تأمین نیاز داخلی به‌عنوان اهرم فشار از جانب آن‌ها قابل استفاده است. بنابراین، افزایش وابستگی به خارج با کاهش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی، امنیت اقتصادی کشور را دچار تزلزل می‌کند.

یکی از راه‌هایی که دولت همواره به‌منظور جلوگیری از کسری بودجه و تأمین هزینه‌های خود در

محاسبات بودجه سالانه مورد توجه قرار می‌دهد، میزان مالیات دریافتی از فعالان اقتصادی است. مقایسه سهم زیربخش‌های اقتصادی در جذب سرمایه ثابت ناخالص، این موضوع را گوشزد می‌کند که بخش خدمات بیشترین جذب سرمایه را به خود اختصاص داده است. از این رو به دلیل اینکه بخش خدمات در پرداخت مالیات ضعیف عمل می‌کند، انتظار می‌رود دولت با کاهش درآمد و کسری بودجه‌های انباشته در سال‌های مختلف مواجه شود. این موضوع از عملکرد مطلوب دولت می‌کاهد و دولت را از انجام دادن وظایف محول شده باز می‌دارد که به تبع، به تخریب امنیت اقتصادی در کشور منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

تداوم یا گسترش تمام فعالیت‌های تولیدی در بخش صنعت و معدن نیازمند استفاده از منابع مختلف تولیدی از جمله سرمایه است. بررسی وضعیت بنگاه‌های تولیدی در بخش صنعت و معدن نشان می‌دهد که کمبود نقدینگی و منابع مالی به معضل بزرگی در این بخش تبدیل شده است؛ به طوری که برخی از واحدهای تولیدی به صورت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند. بنابراین، در شرایطی که کمبود نقدینگی باعث بروز رکود در این بخش از اقتصاد شده است، تأمین منابع مالی می‌تواند راهکار مناسبی برای خروج از این وضعیت باشد.

بنگاه‌های تولیدی برای تأمین منابع مالی از روش‌های مختلفی مانند تأمین مالی از منابع داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. در صورتی که بنگاه تولیدی از منابع داخلی کافی برخوردار باشد، استفاده از منابع

داخلی، مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش تأمین مالی است. در بسیاری از موارد، بنگاه‌های تولیدی منابع داخلی کافی برای تأمین مالی در اختیار ندارند. به همین دلیل، سراغ منابع خارجی می‌روند. مهم‌ترین منابع خارجی تأمین مالی عبارت‌اند از نظام بانکی، بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی. بنگاه‌های تولیدی کشور وابستگی زیادی به نظام بانکی برای تأمین مالی دارند؛ زیرا از سویی بازار سرمایه کشور چندان کارآمد نیست و از سوی دیگر، به دلیل بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مشکل روبه‌رو شده است.

به طور کلی، بنگاه‌های تولیدی بخش صنعت و معدن در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی چندان موفق نبوده‌اند. مهم‌ترین عوامل مؤثر در ناتوانی بنگاه‌های تولیدی در جذب سرمایه‌های داخلی عبارت‌اند از ناتوانی بانک‌ها در ارائه تسهیلات به متقاضیان دریافت تسهیلات، بازده پایین سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن در مقایسه با بخش‌های غیرمولد، دوره طولانی برگشت‌پذیری سرمایه در بخش صنعت و معدن، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن، فقدان شرایط مناسب واحدهای تولیدی برای تأمین مالی از بازار سرمایه و ورود گسترده کالاهای صنعتی به صورت قاچاق به داخل کشور. همچنین، مهم‌ترین عوامل مؤثر در ناتوانی بنگاه‌های تولیدی در جذب سرمایه‌های خارجی عبارت‌اند از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، فضای نامناسب کسب و کار، ضعف در دیپلماسی اقتصادی، فقدان بخش خصوصی قوی، شفافیت پایین در قوانین و مقررات و نقش برجسته فساد

تولیدی بخش صنعت و معدن به عضویت بازار سرمایه درنیامده‌اند، امکان تأمین مالی آن‌ها از طریق بازار سرمایه امکان‌پذیر نیست. پیشنهاد می‌شود به‌منظور فراهم کردن امکان تأمین مالی شرکت‌های تولیدی از بازار سرمایه، شرایط پذیرفته شدن آن‌ها در بازار بورس اوراق بهادار فراهم شود. همچنین، دولت واگذاری شرکت‌های تولیدی بخش صنعت و معدن را با سرعت بیشتری نسبت به گذشته انجام دهد.

- تقویت ساختار بیمه‌ای برای حمایت از ریسک فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن:

ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن یکی از موانع اصلی جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی در این بخش است. کاهش ریسک سرمایه‌گذاری باعث افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن خواهد شد. مهم‌ترین ابزار برای کاهش نااطمینانی و ریسک سرمایه‌گذاری، بیمه است. بیمه با ایجاد امنیت و کاهش ریسک، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی را فراهم می‌کند. پیشنهاد می‌شود ساختار بیمه‌ای کشور تقویت شود تا از طریق آن بتوان ریسک سرمایه‌گذاری‌ها را پوشش داد.

- حمایت از حضور بخش خصوصی و تقویت آن

در بخش صنعت و معدن: حضور بخش خصوصی در بخش صنعت و معدن باعث افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی در این بخش خواهد شد. بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بیشترین کارایی اقتصادی حاصل شود. بدون تردید حضور هم‌زمان بخش‌های خصوصی و دولتی در یک فعالیت تولیدی باعث تضعیف و شکست

در فعالیت‌های اقتصادی. ازاین‌رو با توجه به اهمیت بالای عامل سرمایه در رشد تولید و توسعه بخش صنعت و معدن و به‌منظور تسهیل دسترسی بنگاه‌های تولیدی به منابع مالی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

- **بهبود فضای کسب‌وکار:** سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی پیش از آغاز سرمایه‌گذاری، فضای کسب‌وکار کشور را بررسی می‌کنند. آن‌ها در صورتی که فضای کسب‌وکار را مناسب تشخیص دهند، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. در حال حاضر فضای کسب‌وکار کشور چندان مطلوب نیست. پیشنهاد می‌شود با بهبود فضای کسب‌وکار، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن افزایش یابد.

- **نظارت بر چگونگی تسهیلات‌دهی بانک‌ها:** در حال حاضر نظارت کافی بر عملکرد بانک‌های کشور در مورد چگونگی توزیع و تخصیص تسهیلات اعتباری وجود ندارد. فقدان نظارت کافی بر عملکرد بانک‌ها باعث می‌شود بخش زیادی از تسهیلات به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق داده شود. پیشنهاد می‌شود سازوکار نظارتی مناسبی به‌منظور رصد چگونگی توزیع و تخصیص اعتبارات بانکی ایجاد شود تا تسهیلات بانکی به سمت بخش‌های مولد سوق داده شود؛ زیرا نظارت بر مصرف و تخصیص منابع بانکی یکی از راه‌های هدایت تسهیلات بانکی به سمت بخش‌های مولد است.

- زمینه‌سازی برای حضور بیشتر بنگاه‌های صنعتی

و معدنی در بازار سرمایه: همان‌طور که در گزارش توضیح داده شد، تأمین مالی از طریق بازار سرمایه یکی از روش‌های تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی است. در ایران به دلیل اینکه بسیاری از شرکت‌های

